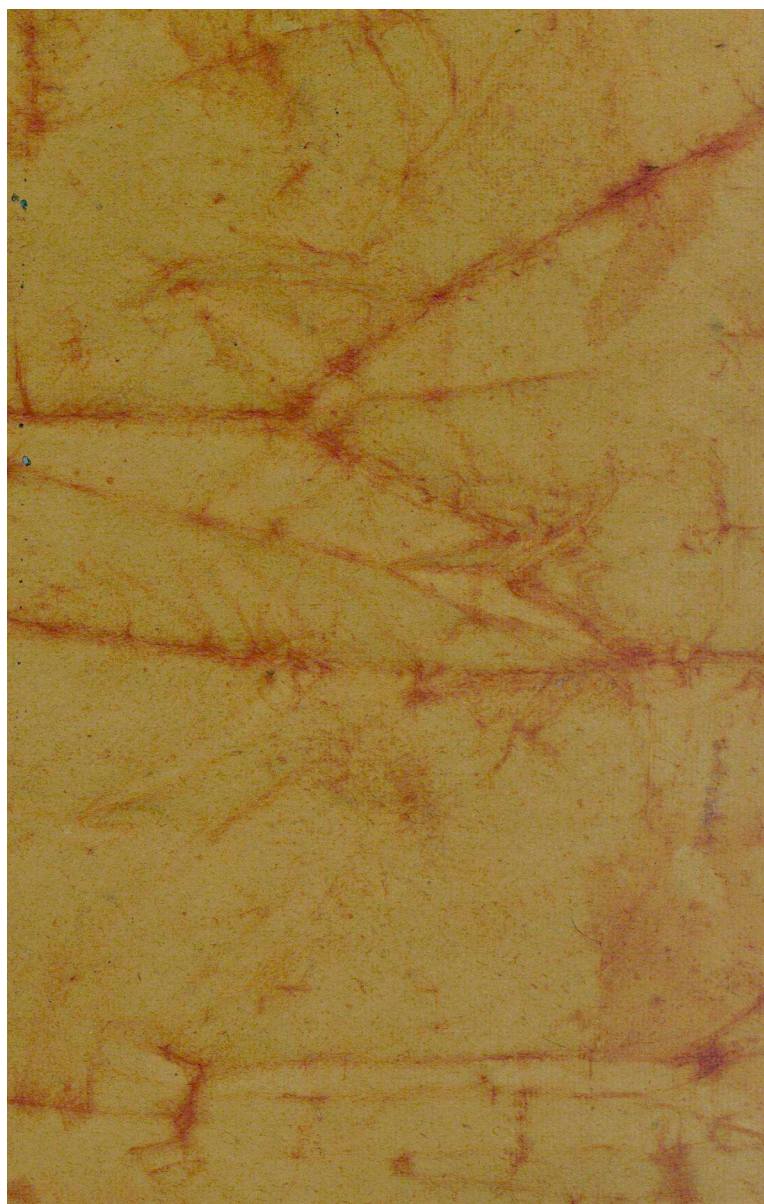


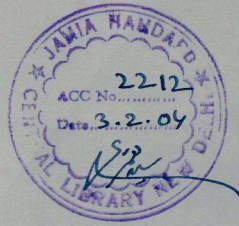
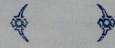


۲۹

مکندر نامه

نظام الدین الیاس نظامی گنجوی

۱۰۲۹ هـ





ربات بازو کردن بازو
 حساسی کنی که در کمر کنی
 هر چه تو می آید پستی از
 که خدا کمالش کرده و
 بود و آتش بودی که
 هر طریقت بودی که هر طریقت
 که منتظر تو نشسته بود
 که کمال هر طریقتی که
 نوی که برای جهان نشسته
 خصایص ملک بر گشته اند
 چنان بستی که طاعت بکند
 خرد و دانه و دانه را
 در دو آن حضرت شد
 به رسته تا فراموشی
 چنان نظر عالم از او تو

بی شکین طاعت کارو
 ز او را اندیشه است
 بیارت می آید پستی از
 سرخ و درون تا در وقت
 سانه بین هم تو باسی که
 نه کن کرده سر و تو
 اگر باشد و هر سانه است
 هر دم تو را پستی کار
 بسیل کنی که هر سانه
 در که می آید پستی از
 که هر سانه است
 کتاب و در پستی از
 که بی شک در آن کشار
 تا فرود می آید پستی از
 هر که در و در که کار

در جواب کس

کربین چاک دی رنگی
 کن دین را مدی و شمار
 شیت روز در شام بود
 چو دل شب چاک ایدم
 بود شب سر را نه خواب
 واکر با دوسرا هم نیست
 نه تو خاتم از روز شب یاری
 چاک مرا می دردی کاش
 پیشه و کار و رستگاری
 درین عالم ایا کرد و بچ
 به دیار خلق عالمی
 مرا نیست از دوسرایی
 به رنگ از او که کلمه
 تو یکی من دیگر ایدم
 از دست اوین نفس را سرگد
 با برش نو که ره یابی
 سلام کی بودی از کار
 تو بیای از سر چه دارم
 بست خات نشانم
 ترا خاتم در روزم از ده
 همه روز شب نام نیست
 گشت مسام درین دلی
 کربین یاران شوخی یار
 کند چون نوی باز بست
 درین عالم ایا کرد و بچ
 تو میرانی و زنده کن هر کس
 حساب از دست چند کند
 ز تو یک زن بیاید به
 که به را حالت خود کرده ام
 بست خات حرف ایا بست
 کربین چاک دی رنگی
 کن دین را مدی و شمار
 شیت روز در شام بود
 چو دل شب چاک ایدم
 بود شب سر را نه خواب
 واکر با دوسرا هم نیست
 نه تو خاتم از روز شب یاری
 چاک مرا می دردی کاش
 پیشه و کار و رستگاری
 درین عالم ایا کرد و بچ
 به دیار خلق عالمی
 مرا نیست از دوسرایی
 به رنگ از او که کلمه
 تو یکی من دیگر ایدم
 از دست اوین نفس را سرگد
 با برش نو که ره یابی
 سلام کی بودی از کار
 تو بیای از سر چه دارم
 بست خات نشانم
 ترا خاتم در روزم از ده
 همه روز شب نام نیست
 گشت مسام درین دلی
 کربین یاران شوخی یار
 کند چون نوی باز بست
 درین عالم ایا کرد و بچ
 تو میرانی و زنده کن هر کس
 حساب از دست چند کند
 ز تو یک زن بیاید به
 که به را حالت خود کرده ام
 بست خات حرف ایا بست